

قابلیت اعمال ضابطه قیمت زمان اجرای حکم در شیوه جبران نقدی خسارت

محمدحسین استا،^۱ غلامرضا اسماعیلی^۲

چکیده

در شرایط اقتصادی فعلی که تورم به‌طور قابل توجهی قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و کاهش ارزش پول ملی موجب خسارت بیشتر به زیان‌دیده‌ها می‌شود، موضوع جبران خسارت به‌روزرسانی‌شده بر اساس قیمت زمان پرداخت از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی قابلیت اعمال ضابطه قیمت زمان اجرای حکم در شیوه جبران نقدی خسارت در نظام حقوقی ایران می‌پردازد و در این راستا، ضمن تحلیل چالش‌ها و تعارض‌های موجود در قوانین، راهکارهای قانونی برای رفع مشکلات را بررسی و رویه‌ای بهینه برای جبران خسارت مبتنی بر ارزش واقعی زمان پرداخت ارائه می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دادگاه‌ها می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های موجود در قوانین و با توجه به اصول جبران کامل خسارت و قاعده لاضرر، خسارت‌های ناشی از تأخیر پرداخت را با ارزشی به‌روز شده جبران کنند؛ به گونه‌ای که زیان‌دیده بتواند در زمان واقعی پرداخت، خود را در موقعیت مشابهی قرار دهد.

واژگان کلیدی: خسارت، حین‌الاداء، تاخیر تادیه، جبران کامل خسارت، تورم، اعتبار امر قضاوت شده.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
re.mo1391@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور واحد بوشهر، ایران
rezaa.ismaeli5770@gmail.com

درآمد

حقوق دانان «خسارت» را مترادف با ضرر و زیان می‌دانند (بابائی، ۱۳۹۷: ۴۰؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۸؛ میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲: ۳۵۲)؛ به طوری که دارای مفهومی گسترده و عرفی است (بهرامی، ۱۳۹۳: ۱۶۷؛ بابائی، ۱۳۹۷: ۴۰؛ شهبازی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۳۸) و در منابع اسلامی نیز وضع به همین منوال است؛ به طوری که خسارت دربرگیرنده کلیه ضرر و زیان‌های وارده به اشخاص است (محقق داماد، ۱/۱۳۹۹: ۱۸۳)، اما باید متذکر شد که از نقطه نظر حقوقی، هر ضرری قابلیت جبران را ندارد و عبارت «بدون مجوز قانونی» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نشان می‌دهد که حقوق ضررهای نامتعارف و غیر مشروع را از ارکان مسئولیت مدنی می‌شناسد و گرنه خسارتی که عرف از آن بی‌اعتنا می‌گذرد یا قانون مباح می‌شمرد یا رابطه مستقیم با تقصیر مرتکب ندارد، برای عامل آن ایجاد تعهد نمی‌کند (بابائی، ۱۳۹۷: ۴۰).

مطابق مقررات قانونی، شیوه و طریقه جبران خسارت با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، در اختیار دادگاه است. «راه‌های جبران خسارت به طور کلی عبارت‌اند از: جبران عینی (اعاده به وضع سابق) و دادن معادل؛ و جبران خسارت از طریق دادن معادل نیز به دو نوع، جبران غیر نقدی خسارت و جبران نقدی تقسیم می‌شود» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۳۹). بهترین شیوه جبران خسارت با توجه به هدف مشترک مسئولیت مدنی و احکام غضب (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲/۲۲۰)، آن است که وضع زیان‌دیده کاملاً به حالت پیش از ورود ضرر بازگردانده شود و چون مسئولیت مدنی به دنبال جبران کامل خسارت است، شیوه جبران عینی (اعاده به وضع سابق) بر دیگر راه‌های جبران خسارت ترجیح دارد. البته این شیوه جبران خسارت، در عین حال که مناسب‌ترین شیوه است، همواره موجب جبران کامل خسارت نمی‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۳۹) و به همین دلیل دادگاه‌ها در غالب موارد، شیوه جبران نقدی خسارت را در پیش می‌گیرند؛ یعنی در دعاوی مسئولیت مدنی پرداخت مبلغی پول بر عهده مسئول قرار می‌گیرد. «در قانون مدنی، جبران نقدی ضرر، در خصوص خسارت وارد به مال، قیمت نامیده شده است» (همان: ۲۴۲). البته دادگاه نیز پس از تعیین مبلغی به عنوان خسارت و قطعی شدن حکم، اصولاً حق تغییر مبلغ

معین شده را ندارد و زیان دیده تنها امکان تمسک به خسارت تأخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی را خواهد داشت (بابائی، ۱۳۹۷: ۲۱۸)؛ که چون شاخص تورم رسمی اعلامی بانک مرکزی با تورم عرفی واقعی فاصله بسیار زیادی دارد، به نحو کامل خسارات وارده را پوشش نمی‌دهد.

مسأله‌ای که هم‌اکنون دادگاه‌ها را با چالش جدی مواجه کرده، این است که با توجه به طولانی بودن فرایند رسیدگی از زمان انجام کارشناسی تا حصول قطعیت و اجرای حکم و نیز تورم افسارگسیخته موجود در جامعه و کاهش ارزش پول، پرداخت همان مبلغ موضوع حکم به محکوم‌له، از یک سو مغایر با انصاف و عدالت و هدف غایی مسئولیت مدنی است و از سوی دیگر، تجویز امکان دخل و تصرف در حکم دادگاه پس از قطعیت آن نیز، مستلزم نادیده گرفتن قاعده اعتبار امر مختوم داشتن آن موضوع است که چنین امری اصولاً امکان‌ناپذیر است.

این نوشتار درصدد است تا در پرتو ظرفیت موجود مقررات نظام حقوقی ایران، جهت برون‌رفت از چالش پیش آمده، ضمن تحلیل موضوع، راهکار ارائه کند و در پی پاسخ به این پرسش است که آیا دادگاه امکان صدور حکم به جبران خسارات وارده از باب اتلاف به مباشرت یا تسبیب؛ و نقص وارده به مال از باب خسارت پولی یا فوت منفعت (اجرت‌المثل)، بر مبنای زمان واقعی اجرای حکم را دارد یا خیر. به طور مثال، در فرض مستحق للغير درآمدن مبیع و ابطال معامله یا در فرض غصب ملک توسط غاصب که خریدار جاهل و مالک (عین یا منفعت) حق رجوع به فروشنده و غاصب را جهت دریافت خسارات وارده و منافع فوت شده دارد یا در صورت اتلاف مال، آیا در این خصوص، پس از احراز ارکان اثباتی هر یک از دعاوی ذکر شده و تعیین شیوه نقدی جبران خسارت از سوی دادگاه، در جهت جبران کامل خسارات وارده به خریدار و مالک، دادگاه می‌تواند ارزیابی خسارات وارده را به زمان اجرای عینی حکم صادره موکول نماید یا خیر. در این راستا، ابتدا به مبانی قانونی بحث پرداخته می‌شود. سپس مفاهیم قیمت زمان پرداخت و کاهش ارزش پول ارائه و پس از تبیین جهات توجیهی پرداخت به قیمت زمان اجرای حکم و ارائه دیدگاه‌های مربوط، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود.

۱. مبانی قانونی

در خصوص موضوع، با قوانین به ظاهر متعارض روبه‌رو هستیم؛ بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ مقرر داشته: «در صورتی که قیمت خواسته در دعای مالی در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد مبلغ دو هزار ریال تمبر الصاق و ابطال می‌شود و بقیه هزینه دادرسی بعد از تعیین خواسته و صدور حکم دریافت خواهد شد و دادگاه مکلف است قیمت خواسته را قبل از صدور حکم مشخص نماید». همچنین ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی اعلام می‌دارد: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به اداء حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خوانده مطالبه نماید. خوانده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیرمحق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یادشده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود». ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ نیز مقرر داشته است: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آن‌که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن‌که قانون آن را تجویز نماید». مواد ۱ و ۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به ترتیب بیان داشته است: «هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر این‌که قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد» و «حکمی که موضوع آن معین نیست، قابل اجراء نمی‌باشد». از سوی دیگر، ماده ۳۱۲ قانون مدنی در بحث غصب مقرر می‌دارد: «هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین‌الادا را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت

آن را بدهد». مطابق تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم ملاک است»؛ همچنین ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی اعلام می‌دارد: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده، در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود، واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می‌نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص این‌که به چه اندازه و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به‌طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود منطوق صریح ماده ۳۱۲ قانون مدنی و تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری حکایت از ضرورت جبران خسارت به قیمت حین (یوم) الادا؛ یعنی قیمت زمان اجرای حکم را دارد؛ این در حالی است که دیگر مواد قانونی، دادگاه‌ها را مکلف به تعیین قیمت خواسته قبل از صدور حکم و ممنوعیت از صدور حکم نامعین می‌کند. رویه قضایی نیز بر همین اساس و از باب مسامحه، قیمت حین پرداخت را به لحاظ موانع قانونی مورد اشاره، قیمت زمان رسیدگی و صدور حکم می‌داند.^۱ به عبارت دیگر، تعارضات متصور از دو جهت است: نخست، تعارض میان حکومت قاعده اعتبار امر مختوم و فراغ دادرسی از یک طرف با امکان دخل و تصرف بعدی در حکم قطعی از طرف دیگر؛ دوم، تعارض میان ضرورت معین بودن حکم دادگاه از یک طرف با امکان پرداخت به قیمت زمان اجرای حکم از طرف دیگر. با این اوصاف، تعارض ظاهری میان مقررات مورد اشاره چگونه قابل رفع است و با وجود موانع قانونی پیش‌گفته، چگونه امکان اعمال قیمت خسارات وارده به زمان اجرای حکم وجود دارد؟ بر فرض امکان رفع تعارض ظاهری، آیا مفاد ماده ۳۱۲ قانون

۱. برای نمونه می‌توان به دادنامه صادره از شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان کردستان به شماره ۹۵۰۹۹۷۸۷۱۶۴۰۰۷۴۸ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۳ اشاره کرد که کاهش ارزش ثمن را بر اساس نظریه کارشناس که در زمان رسیدگی ارائه گردیده، مورد حکم قرار داده است.

مدنی و تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری قابلیت تسری به خسارات ناشی از فوت منفعت و خسارت پولی را دارد؟

۲. مفاهیم قیمت زمان پرداخت و کاهش ارزش پول

در قوانین متعدد از جمله مواد ۳۱۲ قانون مدنی، ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تبصره ماده ۳۶ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ و تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری عبارات «حین الاداء»، «زمان پرداخت»، «یوم الاداء» و «زمان اجرای حکم» آمده است که همه در یک معنا استعمال شده است، اما در قانون و دکترین حقوقی تعریفی اصطلاحی از آن‌ها ارائه نشده است که به نظر می‌رسد ناشی از روشن بودن معنای آن عبارات باشد و منظور از عبارات مورد اشاره این است که ملاک محاسبه، روز پرداخت و اجرای حکم دادگاه است و نه زمان وقوع فعل زیان‌بار یا زمان صدور حکم؛ زیرا پرداخت خسارت باید به نحوی باشد که زیان‌دیده بتواند در روز پرداخت، خود را در موقعیت مشابهی قرار دهد.

از طرفی، مستفاد از ماده ۲۷۵ قانون مدنی^۱ یکی از شرایط اساسی صحت وفای به عهد و سقوط تعهد، وجود وحدت میان موضوع تعهد و موضوع تادیه است؛ یعنی برای این‌که متعهد براثت ذمه پیدا کند، باید همان موضوع تعهد را تادیه کند و نمی‌توان طلبکار را مجبور کرد که چیزی غیر از موضوع تعهد را بپذیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۴۸-۴۹؛ شهیدی، ۱۳۹۱: ۴۰). در مواردی که موضوع تعهد، پرداخت وجه رایج است، نیز این شرط باید رعایت شود و بدهکار مقدار پولی را به طلبکار پرداخت کند که تعهد به پرداخت آن را در موعد مقرر به عهده گرفته است. مثال دیگر ماده ۳۶۲ قانون مدنی است که مطابق آن، یکی از آثار بیع این است که فروشنده ضامن درک مبیع می‌شود؛ بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که در بیع فضولی چنانچه مالک معامله را اجازه نکند، آیا صرف استرداد ثمن دریافتی در زمان وقوع معامله برای براثت فروشنده کافی است یا آن‌که وی مکلف است ثمن دریافتی را به قیمت روز به خریدار مسترد کند. در پاسخ باید گفت در صورتی که مبیع مستحق‌الغیر درآمده، فروشنده به تعهد

۱. ماده ۲۷۵ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «متعهدله را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد است قبول نماید اگر چه آن شیء قیمتا معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد».

خود عمل نکرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۳)؛ بنابراین فروشنده باید علاوه بر استرداد ثمن معامله به خریدار از باب ضمان درک، میزان کاهش ارزش (قدرت خرید) ثمن پرداختی توسط خریدار را نیز از باب ضمان قهری (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۲۷۳؛ جوادی، ۱۴۰۲: ۴۱) جبران نماید و علم و جهل خریدار نیز، تأثیری در این خصوص ندارد (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۲۶۲). بدین ترتیب، در معاملات فضولی، فروشنده می‌بایست ثمن را متناسب با شاخص تورم عرفی موضوعی^۱ روز اجرای حکم، تعدیل و سپس به خریدار پرداخت کند (استا و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۶)؛ یا در مواردی که دستگاه اجرایی در جهت منافع عمومی اقدام به خریداری و تملک اراضی و املاک مردم می‌نماید، باید تلاش کرد تا حقوق مالک به بهترین نحو ممکن حفظ شود. بر همین اساس این پرسش مطرح می‌شود که مالک مستحق قیمت زمان تصرف دستگاه اجرایی است یا قیمت زمان پرداخت ارزش ملک. پاسخ پرسش مذکور را می‌بایست در ماده ۵ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت یافت که مقرر می‌دارد: «مالک تعیین قیمت عبارت است از بهای عادلانه روز تقویم اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات مشابهه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تأثیر طرح در قیمت آن‌ها»؛ بنابراین اگر دستگاه اجرایی تمامی شرایط تملک را رعایت نکند و مالک نیز بدون تأخیر، اقدام به مطالبه حقوقش نماید، مالک مستحق قیمت روز پرداخت خواهد بود؛ چرا که با عدم رعایت تشریفات از سوی دستگاه اجرایی، تصرف دولت غاصبانه

۱. رای وحدت رویه شماره ۸۱۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور: «با عنایت به مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی، در موارد مستحق للغير درآمدن مبیع و جهل خریدار به وجود فساد، همان‌گونه که در رای وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز بیان شده است، فروشنده باید از عهده غرامات وارده به خریدار از جمله کاهش ارزش ثمن برآید. هرگاه ثمن وجه رایج کشور باشد، دادگاه میزان غرامت را مطابق عمومات قانونی مربوط به نحوه جبران خسارت از جمله صدر ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، عنداللزوم با ارجاع امر به کارشناس و بر اساس میزان افزایش قیمت (تورم) اموالی که از نظر نوع و اوصاف مشابه همان مبیع هستند، تعیین می‌کند و موضوع از شمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج است». رأی مورد اشاره در واقع شاخص را تورم موضوعی (واقعی) تعیین کرده و مبنای آن چیزی جز رعایت انصاف و در نظر گرفتن واقعیات جامعه و اعلام غیر منصفانه و غیر واقعی بودن شاخص تعیینی در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیست. شاخص تعیینی در رأی وحدت رویه مذکور حکمی استثنائی و خاص نیست، بلکه به تمامی موارد نقض تعهدات پولی قابل تسری است.

بوده و تمام احکام غصب در آن قابل اجرا خواهد بود (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۴۳۸).

۳. جهات توجیهی پرداخت به قیمت زمان اجرای حکم

در ادامه به ابعاد مختلف بحث ملاک پرداخت خسارت بر اساس روز اجرای حکم، پرداخته می‌شود و توجیهات این نظریه مورد بحث می‌قرار می‌گیرد.

۳-۱. اصل جبران کامل خسارت

این اصل که از آن به «جبران خوب» (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۴۰۱) و «جبران کارآمد» (قسمتی تیریزی، ۱۳۹۴: ۱۳۵) نیز تعبیر شده، بیان‌گر این است که همه زیان باید جبران شود؛ یعنی جبران خسارت می‌بایست به نحوی باشد که زیان‌دیده را در موقعیت قبل از وقوع حادثه زیان‌بار قرار دهد. البته اصل جبران کامل خسارت، دارای دو جنبه اثباتی و نفیی می‌باشد؛ جنبه اثباتی ناظر به جبران کامل خسارت وارده است و جنبه نفیی ناظر بر ممانعت از افزایش دارایی زیان‌دیده است؛ به طوری که جبران خسارت نباید به گونه‌ای باشد که وضعیت زیان‌دیده، نسبت به قبل از ورود ضرر بهتر شود (بابائی، ۱۳۹۷: ۲۰۵). در خصوص زیان‌دیده که مستحق دریافت غرامت شده نیز این اصل حاکم است؛ پس باید گفت که غرامت نیز مشمول اصل جبران خسارت می‌شود و پرداخت آن باید بر اساس قیمت روز اجرای حکم صورت گیرد تا عرفاً بتوان گفت که همه خسارت وارده به زیان‌دیده جبران شده است. در خصوص آثار مسئولیت مدنی نیز انصاف جایگاه و نقش فوق‌العاده‌ای دارد و این موضوع در مقررات هم منعکس شده است. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی که کیفیت و طریق جبران خسارت را در اختیار محکمه گذاشته و بر اساس آن، محکمه می‌تواند شیوه جبران خسارت منصفانه‌تری برگزیند، دارای چنان قلمرو وسیعی است که تردیدی در قاعده بودن انصاف در آثار و دعوی مسئولیت مدنی باقی نمی‌گذارد (بادینی و اسلامی‌فارسانی، ۱۳۹۲: ۴۲). انصاف و عدالت اقتضاء می‌کند که خسارت در هر حال جبران شود و ضرری بدون جبران باقی نماند؛ از این رو می‌توان گفت حتی مبنای اصل جبران کامل خسارت نیز چیزی جز انصاف و عدالت نیست و پرداخت غرامت بر اساس قیمت زمان اجرای حکم عادلانه‌تر خواهد بود.

۲-۳. اصل جبران فوری

بر اساس این اصل، خسارت وارده باید بلادرنگ جبران شود؛ یعنی می‌باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن، زیان‌دیده به وضعیت پیش از زیان برگردد؛ «چراکه با وقوع زیان، زیان‌دیده از مسیر عادی و همیشگی زندگی‌اش خارج شده، حقوق مسئولیت مدنی به دنبال این است که او را به زندگی برگرداند و هرچه این اتفاق زودتر رخ دهد، بهتر است» (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۴۰۸). لازم به ذکر است که «اگرچه در نظام حقوقی ما نص ویژه‌ای وجود ندارد، اما با توجه به این که اصل بر عدم وجود اجل است و نیز، اصل بر فوریت اجرای تعهد است، در این باره نباید تردید کرد؛ بنابراین قائل به اعطای مهلت به عامل زیان برای پرداخت غرامت، خلاف هدف یادشده است. افزون بر این، از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی نیز می‌توان لزوم فوریت در جبران زیان را برداشت کرد» (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۴۰۹). این ماده پس از بیان اختیار دادگاه در تعیین «میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن»، چنین مقرر می‌دارد: «جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید؛ بنابراین عدم پرداخت فوری و به موقع غرامت، موجب ایراد خسارت دیگری به زیان‌دیده تحت عنوان کاهش ارزش پول شده که باید از طریق اعمال پرداخت به قیمت زمان اجرای حکم جبران شود.

۳-۳. قاعده لاضرر

طبق این قاعده که از پشتوانه محکم کتاب و روایات برخوردار است،^۱ «در اسلام حکمی که از آن ضرری ناشی شود وجود ندارد، خواه حکم تکلیفی باشد و خواه حکم وضعی. بر اساس این قاعده هر ضرری باید جبران گردد و نتیجه آن اثبات حکم به وسیله قاعده لاضرر است» (بهرامی، ۱/۱۳۹۰: ۲۶۸-۲۷۰). جبران زیان باید به نحوی باشد که تمامی خسارات وارده ناشی از زیان را جبران کند؛ بنابراین با عنایت به تورم موجود، پرداخت غرامت باید به نرخ روز اجرای حکم باشد و از این حیث،

۱. معروف‌ترین روایت موجود در این خصوص، روایت موثقه زراره از امام باقر (ع) است که پیامبر اسلام (ص) خطاب به سمره بن جندب در جریان اختلافی که با مرد انصاری داشت فرمودند: «إنک رجل مضار و لاضرر و لاضرر علی مؤمن» (کلینی؛ اصول کافی «کتاب المعیشه»؛ باب اضرار؛ روایت ۸). از دیگر مستندات قاعده مزبور، می‌توان به آیات ۱۷۸، ۲۳۱، ۲۳۴ و ۲۸۴ سوره بقره و آیه ۷ سوره طلاق اشاره کرد.

نظریه برآمده از تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری منطبق بر قاعده لاضرر و مؤید آن است.

۴-۳. قاعده احترام مال مردم

«مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به آنها جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز مسئول و ضامن است» (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۱/۲۹۳). پرداخت غرامت از سوی عامل زیان باید به نحوی صورت گیرد که به بهترین وجه احقاق حق زیان‌دیده صورت پذیرد. لازمه احترام به مال مردم نیز همین است و در نتیجه اگر پرداخت غرامت می‌خواهد صورت گیرد باید مطابق قیمت زمان اجرای حکم باشد تا این حرمت و احترام به مال دیگران در عمل مراعات شود.

۵-۳. جبران کاهش ارزش پول

از آنجاکه پول (وجه رایج) در موضوع بحث ما نیز در مبحث پرداخت غرامت به شیوه جبران نقدی جایگاه حائز اهمیتی دارد و با پذیرش این‌که ارزش پول به عنوان یک مال قیمی (قانع، ۱۳۹۸: ۲۳۹) روز به روز با توجه به تورم در حال کاهش است و چون مبنای پرداخت غرامت نیز مبالغی از پول می‌باشد؛ بنابراین با کاهش ارزش پول، هر قدر پرداخت غرامت به تأخیر افتد، زیان‌دیده بیشتر متضرر خواهد شد (عبدی و باقری، ۱۴۰۲: ۱۴۳۱)؛ بنابراین ملتزم به پذیرش پرداخت غرامت به قیمت روز اجرای حکم خواهیم بود و این پرداخت به قیمت روز اجرای حکم، کاهش ارزش پولی که باید در موعد خود پرداخت می‌شد را جبران می‌کند.

۴. بیان دیدگاه‌ها درباره امکان اعمال قیمت زمان اجرای حکم

در موارد شیوه جبران نقدی خسارت و پرداخت قیمت، در خصوص امکان پیاده‌سازی ملاک قیمت زمان اجرای حکم، برخی معتقدند که با توجه به ضرورت معین بودن حکم دادگاه و نیز حاکم بودن قاعده اعتبار امر مختوم، امکان اعمال چنین ضابطه‌ای وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که نظام حقوقی ایران از چنین ظرفیتی برخوردار است. بر این اساس، پس از طرح و بیان دیدگاه رایج، دیدگاه نگارندگان نیز ارائه و سپس جهات نادرستی عقیده رایج و نحوه اعمال ضابطه ارائه شده از سوی نگارندگان تبیین می‌شود.

۴-۱. دیدگاه رایج

از منظر دیدگاه حاضر می‌توان گفت که به نظر می‌رسد بین دو دسته مقررات مورد اشاره تعارضی وجود ندارد؛ چرا که خواهان نمی‌تواند در بدو امر مطالبه قیمت کند و خواسته خواهان حتماً باید استرداد عین مال باشد و دادگاه نیز تکلیفی بر تحقیق در مورد از بین رفتن یا تلف شدن مال ندارد و صرفاً در صورت احراز غاصبانه بودن تصرف، حکم به استرداد مال می‌دهد و پس از این در صورت قطعیت رأی و صدور اجرائیه و پیگیری موضوع در واحد اجرای احکام و احراز تلف شدن حقیقی یا حکمی مال موضوع حکم، به استناد مواد ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون مدنی و ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی^۱ به قیمت روز محاسبه شده و از محکوم دریافت می‌شود. در امر کیفری نیز همین‌گونه است و به عنوان مثال، وقتی مالی به سرقت می‌رود یا به هر طریقی از ید شاکس خارج می‌شود، دادگاه کیفری حکم به رد مال می‌دهد و اگر در زمان اجرای حکم، مال موضوع حکم تلف شده باشد، در صورت مثلی بودن، مثل و اگر قیمی باشد، قیمت آن پرداخت می‌شود؛ بنابراین بین بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و تبصره ماده ۱۹ تعارضی وجود ندارد؛ چرا که بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مربوط به خواسته مطالبه وجه است، ولی تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مربوط به خواسته استرداد مالی است که در نهایت در اجرای احکام مشخص می‌شود که آن مال تلف شده است. افزون بر این، هر چند ماده خاصی درباره زمان تقویم خسارت وجود ندارد، اما برخی حقوق‌دانان با اتخاذ ملاک از مواد ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و تمسک به اصل جبران کامل خسارت، حکم به قیمت روز پرداخت داده‌اند که البته با مسامحه، قیمت روز را قیمت زمان صدور رأی می‌دانند (بابائی، ۱۳۹۷: ۲۱۵)؛ بنابراین دیدگاه رایج بر آن است که دادگاه نمی‌تواند تقویم خسارت را به واحد اجرای احکام بسپارد و تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز منصرف از مطالبه خسارت است و

۱. ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می‌دارد: «اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده و یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می‌شود و هرگاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکوم له می‌تواند دعوی خسارت اقامه نماید».

مشمول آن نمی‌شود.

۲-۴. دیدگاه نگارندگان

مواد ۳۱۲ قانون مدنی و تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری را می‌توان از مبانی و دلایل حقوقی «قیمت زمان اجرای حکم» به حساب آورد. با لحاظ چنین مبنایی باید گفت که میان دو دسته مقررۀ مورد اشاره تعارضی ظاهری، اما قابل رفع وجود دارد و امکان جمع هر دو بر اساس قاعده «الجمع مهما ممکن اولی من الطرح» فراهم است؛ بدین نحو که باید گفت، شایسته و جایگاه بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین همان‌طور که از عنوان آن قانون مشخص است در خصوص نحوه چگونگی وصول درآمدهای دولت است که به همان ترتیب مقرر می‌بایست اقدام شود. به‌طوری‌که صرفاً از حیث هزینه دادرسی و قطعیت یا عدم قطعیت حکم، مؤثر در مقام است؛ پس می‌توان گفت دادگاه از جهت تعیین میزان هزینه دادرسی و قطعیت حکم، قبل از صدور حکم مطابق بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین قیمت خواسته را تعیین می‌کند و مطابق تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری از جهت مبلغ قابل پرداخت به زیان‌دیده نیز، همان‌طور که در خصوص پرداخت دیه، رویه قضایی به همین سمت سوق پیدا کرده (احسان‌پور و امی، ۱۳۹۹: ۳۶)، قیمت زمان اجرای حکم ملاک عمل قرار خواهد داد. از طرفی لازم به ذکر است که نتیجه حاصل با ماده ۳ قانون اجرای احکام مدنی نیز منافاتی ندارد؛ چرا که منظور مقررۀ مذکور از معین بودن موضوع خواسته، مبهم نبودن موضوع حکم و به عبارت دیگر امکان اجرای آن است. «مبهم بودن را در واقع می‌توان، مانع اجرای رای دانست نه این‌که شرط اجرای رای، فقدان ابهام باشد» (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۷۳)؛ این در حالی است که موضوع حکم، امری است که دادگاه نسبت به آن قضاوت کرده است (شمس، ۱۳۹۹: ۲۶۵) که در اینجا آن مالی است که حکم به جبران قیمت آن داده می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان گفت اعمال ضابطه قیمت زمان اجرای حکم باعث مبهم شدن حکم موضوع دعوی خواهد شد. بر همین اساس شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بوشهر طی دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۹۳۹۰۰۰۱۱۹۴۵۱۲^۱ به تاریخ ۱۴۰۲/۵/۲۳ چنین تصمیم می‌گیرد:

۱. دادنامه مورد اشاره از سوی یکی از نگارندگان مقاله حاضر انشاء گردیده که به لحاظ عدم اعتراض،

«راجع به دادخواست ... تایید بطلان بیع فی ما بین اصحاب دعوا در خصوص یک قطعه زمین به مساحت سیصد و هفتاد و هشت متر مربع قسمتی از پلاک ثبتی ... و ابطال مبیعه‌نامه عادی مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۵ موضوع معامله مذکور و ابطال اقرارنامه رسمی به بیع مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۵ ... و استرداد ثمن معامله به مبلغ یکصد و هفتاد میلیون ریال و مطالبه غرامات وارده ناشی از مستحق‌لغیر درآمدن مبیع با جلب نظر کارشناس ... مخلص کلام وکیل خواهان که در دادخواست تقدیمی منعکس گردیده این می‌باشد که مطابق مبیعه‌نامه و اقرارنامه رسمی مورد اشاره، آنچه از سوی خواننده به موکل در ازاء مبلغ یکصد و هفتاد میلیون ریال که تماماً نیز دریافت نموده و اگذار شد، جزء اراضی ملی و به عبارت دیگر متعلق به غیر می‌باشد و وکیل خواننده دعوی طی ... ضمن اذعان به تعلق ملک به دولت، مدعی طرح دعوی در این خصوص علیه منابع طبیعی و آبخیزداری گردید که با وجود صدور اخطاریه جهت ارائه گواهی طرح دعوی، اقدامی به عمل نیاورد. از طرفی کارشناس مربوطه میزان کاهش قدرت خرید ثمن پرداختی را پانزده میلیارد ریال اعلام نمود که مصون از مناقشه باقی ماند و مورد پذیرش دادگاه نیز واقع شد ... بنا به مراتب پیش گفته و این که بیع فاسد اثری در تملک ندارد، دادگاه دعوی خواهان را وارد و محمول بر صحت تلقی به مستند به مواد ۳۶۵ و ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی و ۱ و ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و ملاک قسمت سوم ماده ۵ قانون اخیرالذکر و تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری و رای وحدت رویه شماره ۸۱۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ضمن تایید بطلان بیع و ابطال مبیعه‌نامه موضوع دعوی و اقرارنامه رسمی مورد اشاره، حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ پانزده میلیارد ریال که ثمن معامله نیز مستتر در آن است به نرخ روز اجرای حکم بر اساس شاخص تورم عرفی موضوعی که در صورت کاهش ارزش خسارت تعیین شده و درخواست محکوم‌له از طریق کارشناسی مجدد محاسبه و ارزیابی خواهد ... له خواهان صادر و اعلام می‌نماید ...».

۳-۴. ارزیابی دیدگاه‌ها

در مقام ارزیابی دیدگاه‌های بیان‌شده، با توجه به این‌که طبق اصول، در امور کیفری نیز هر جا نیازمند پرداخت قیمت است، می‌بایست دادخواست مطابق مقررات حاکم بر دعاوی حقوقی تنظیم و تقدیم شود (خالقی، ۱۳۹۴: ۳۰۳)؛ بنابراین نمی‌توان گفت که تبصره ماده ۱۹ صرفاً مربوط به امور کیفری و یا حتی استرداد مال است، پس قابل تسری به دعاوی حقوقی توجها «دعوی خسارت» نیز هست. علاوه بر این، استناد به ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی نیز وجهی ندارد؛ چرا که منصرف از حالتی است که تلف حقیقی یا حکمی عین، در حین تقدیم دادخواست یا اثنا دادرسی محرز باشد. البته اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه ای قابل تامل به شماره ۱/۵۶۲/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۲ تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری را مربوط به جایی قلمداد نموده که دادگاه حکم به پرداخت قیمت مال، بدون تعیین مبلغ صادر می‌نماید و مواردی که دادگاه رای به پرداخت وجه صادر می‌کند را مشمول تبصره ندانسته، اما غافل از این‌که اگرچه تعهد اصلی عامل زیان، رد عین یا مثل مال از دست‌رفته است، اما دادگاه در حکم ناممکن بودن ارائه عین و مثل مال را احراز کرده، عامل زیان را به پرداخت قیمت آن محکوم می‌کند؛ پس می‌توان گفت که تعهد عامل زیان از رد عین یا مثل، به پرداخت قیمت تبدیل می‌شود و وی به پرداخت وجه رایج، مدیون شناخته می‌شود (محسنی و میرشکاری، ۱۳۹۵: ۱۴۸). افزون بر این محاکم کیفری نیز در مواردی که به موضوعات با جنبه حقوقی رسیدگی می‌کنند، تابع اصول و قواعد حاکم بر دعاوی حقوقی از جمله ضرورت معین بودن حکم صادره می‌باشند. همچنین با وجود پیش‌بینی موارد قانونی از سوی قانون‌گذار در جهت پرداخت قیمت و بهاء به نرخ روز، آنچه منطبق حکم می‌کند، ارائه تفسیری راهکارگونه از مقررات و زدودن موانع برای نیل به هدف غایی قانون‌گذار است و از طرف دیگر، عقیده بر امکان جبران خسارت تأخیر وارده به زیان‌دیده، از طریق سازکار پیش‌بینی‌شده در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (شهیدی و ایران مهر، ۱۳۹۱: ۱۷) نیز به لحاظ فاصله بسیار زیاد شاخص رسمی بانک مرکزی با تورم عرفی واقعی

نمی‌تواند جبران‌کننده زیان واقعی وارده بر وی باشد. همچنین پرداخت قیمت روز خواسته در واحد اجرای احکام به لحاظ رعایت حقوق زیان‌دیده منصفانه و عادلانه‌تر است.

۵. راهکار

اینک پس از رفع تعارض ظاهری میان مقررات مورد اشاره، باید به این پرسش پاسخ داد که با وجود حاکمیت قاعده فراغ دادرسی و اعتبار امر قضاوت شده، چگونه می‌توان خسارت وارده به زیان‌دیده را بر اساس ملاک قیمت زمان اجرای حکم اعمال کرد؟

چاره کار، استفاده از ظرفیت قانونی و اتخاذ ملاک^۱ از قسمت سوم ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی است که بر اساس آن در صورتی که در موقع صدور حکم، تعیین عواقب صدمات بدنی به‌طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم را خواهد داشت. بر همین اساس در صورت کاهش ارزش خسارت مورد حکم در طول زمان، دادرسی می‌تواند در حکم خود تجدید نظر کند، اما ممکن است در بقای اعتبار بند یادشده با وجود قاعده فراغ دادرسی تردید شود. همان‌طور که می‌دانیم، بر اساس قاعده یادشده، دادرسی پس از صدور حکم اختیار تغییر آن را ندارد (شمس، ۲/۱۳۸۹: ۲۱۴). با وجود این که قانون آیین دادرسی مدنی سابق طی ماده ۱۵۵ به این قاعده تصریح کرده بود، اما قانون جدید حکم ویژه‌ای در این خصوص ندارد و تنها از ماده ۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ می‌توان وجود این قاعده را برداشت کرد. سؤال قابل طرح در این رابطه، این است که با وجود قاعده فراغ دادرسی، آیا بند ۳ ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی نسخ شده است. به نظر می‌رسد این ماده با وجود تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به سال ۱۳۷۹ همچنان به قوت خود باقی است؛ زیرا قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ و در زمان حاکمیت قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ تصویب شده است و به عبارتی، قانون‌گذار با علم به وجود قاعده فراغ دادرسی، مبادرت به وضع ماده ۵

۱. باید گفت که تنفیح مناط و الغای خصوصیت برخلاف قیاس، از شیوه‌های تفسیری متون شرعی و قانونی بوده و نوعی توسعه در موضوع هستند و تمامی حجیت آن‌ها به اصاله الظهور برمی‌گردد و الزاما منعی در جهت تمسک به آن وجود ندارد.

قانون مسئولیت مدنی نموده است. از طرفی، قانون عام مؤخر نمی تواند قانون خاص مقدم را نسخ کند (قافی و شریعتی، ۱/۱۳۹۳: ۲۴۳)؛ بنابراین اگر پس از صدور حکم دادگاه مبنی بر محکومیت عامل زیان به جبران خسارت زیان دیده، ارزش مبلغ موضوع حکم کاسته شود، دادرس حق دارد مبلغ تعیینی را از طریق ارجاع مجدد موضوع به کارشناسی و با در نظر گرفتن تورم عرفی موضوعی تغییر دهد؛ به طور مثال، اگر پس از احراز ارکان دعوی مطالبه خسارت وارده به خودرو یا مطالبه اجرت‌المثل و یا غرامات ناشی از مستحق‌للغیر درآمدن قطعه زمین (مبیع) و تعیین قیمت آن بر اساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری، ارزش خسارات تعیین شده از زمان صدور حکم تا زمان پرداخت تغییر یابد، دادگاه از طریق ارجاع مجدد به کارشناس، قیمت خسارات تعیین شده در حکم را بر اساس شاخص تورم عرفی مال مربوطه، به روز رسانی می‌کند. در این راستا اداره کل حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۵۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۸/۹^۱ بیان داشته است: «در فرض سؤال که برخی املاک بنیاد شهید و امور ایثارگران بدون سپری کردن مقررات و الزامات قانونی به تملک دیگر دستگاه‌های اجرایی درآمده است و مرجع قضایی با تلقی موضوع به عنوان تلف حکمی و از باب غصب، حکم به پرداخت قیمت روز و اجرت‌المثل ایام تصرف صادر می‌کند؛ که در اجرای ماده ۳۱۲ قانون مدنی، محکوم باید قیمت روز ملک را پرداخت کند، صرف درج قیمت روز ملک در دادنامه مانع از تجدید ارزیابی و تعیین بهای روز آن در زمان پرداخت به محکوم‌له نیست. این روند از شمول تبصره ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ خروج موضوعی دارد و تکلیف به تجدید کارشناسی برای تعیین قیمت روز، برگرفته از مقرره‌ای است که موضوع را به قیمت روز احاله کرده است (ماده ۳۱۲ قانون مدنی)».

برآمد

۱- در قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی، ملاک زمان تقویم خسارت وارده بیان نشده و حکم به جبران خسارت مطابق قیمت زمان اجرای حکم نیز، با اصول کلی و منطبق حقوق مسئولیت مدنی و اصل جبران کامل خسارت منطبق است. از این ملاک می‌توان به عنوان قاعده‌ای کلی در نحوه جبران خسارت استفاده کرد.

۲- پذیرش ضابطه مورد اشاره به عنوان قاعده عمومی، مانع سوء استفاده سودجویان خواهد شد و آنان به جای تاخیر در جبران خسارت و وارد نمودن زیان مضاعف به زیان‌دیده، جبران فوری خسارات وارده را انتخاب خواهند کرد؛ بر این اساس می‌توان گفت در حقوق ایران ملاک تقویم خسارت، همان‌طور که در خصوص پرداخت دیه نیز رویه قضایی به همین سمت سوق پیدا کرده، «زمان اجرای حکم» لحاظ شده است و اگر ارزش خسارت در حکم صادره از دادگاه نخستین تعیین شود، زیان‌دیده در مرحله تجدید نظر نیز می‌تواند مبلغ خسارت مورد ادعا را افزایش دهد و این اقدام ادعای جدیدی محسوب نمی‌شود؛ چراکه خواسته اصلی، قیمت آن مال یا جبران خسارت ناشی از اتلاف آن است و ارزش تعیین‌شده، چهره فرعی دارد و از قبیل ضرر و زیان خواسته اصلی و اقساط اجاره و اجرت‌المثل پس از صدور حکم است (بند ۲ ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی)؛ بنابراین هرگاه ارزش خسارات تعیین‌شده از زمان صدور حکم تا زمان پرداخت تغییر یابد، معیار تقویم، قیمت زمان پرداخت است.

فهرست منابع

- * بابائی، ایرج (۱۳۹۷)، حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، چاپ دوم، تهران: میزان.
- * بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۳)، ضمان قهری «مسئولیت مدنی»، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- * بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، قواعد فقه، جلد نخست، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- * جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، تهران: گنج دانش.
- * جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۹)، مجموعه محشی قانون مدنی، چاپ نخست، تهران: گنج دانش.
- * خالقی، علی (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، چاپ بیست و هشتم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- * خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳)، حقوق حاکم بر اجرای آرای مدنی، چاپ نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * شمس، عبدالله (۱۳۹۹)، اجرای احکام مدنی، جلد نخست، چاپ چهارم، تهران: دراک.
- * شمس، عبدالله (۱۳۸۹)، آیین دادرسی مدنی - دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ بیست و چهارم، تهران: دراک.
- * شهیدی، مهدی (۱۳۹۱)، آثار قراردادها و تعهدات (حقوق مدنی جلد سوم)، چاپ پنجم، تهران: مجد.
- * صفایی، سید حسین (۱۳۹۳)، قواعد عمومی قراردادها، چاپ بیستم، تهران: میزان.
- * صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- * صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۹)، مسئولیت مدنی تطبیقی، چاپ دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- * قافی حسین و شریعتی، سعید (۱۳۹۳)، «اصول فقه کاربردی (مباحث الفاظ)»،

- جلد نخست، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- * کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، الزام های خارج قرارداد-مسئولیت مدنی، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: دانشگاه تهران.
- * کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، دوره حقوق مدنی؛ عقود معین (معاملات معوض-عقود تملیکی)، جلد نخست، چاپ سیزدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۹)، قواعد فقه (بخش مدنی)، جلد نخست، چاپ پنجاه و چهارم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- * میرشکاری، عباس (۱۴۰۱)، رساله عملی در مسئولیت مدنی، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * احسان پور و امی، سید رضا و احمد (۱۳۹۹)، «مبانی فقهی حقوقی دیه یوم الاداء؛ موضوع ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی»، مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره ۲.
- * استا، محمدحسین و افراس، غلامحسین و احمدی، جعفر (۱۴۰۲)، «تحلیل تطبیقی قابلیت مطالبه زیان تفویض فرصت ناشی از تاخیر در تادیه پولی در فقه و حقوق»، فصل نامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی (پژوهشکده حقوق و قانون ایران)، دوره ۶، شماره ۱۹.
- * بادینی، حسن و اسلامی فارسانی، علی (۱۳۹۲)، «نقش انصاف در مسئولیت مدنی»، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۳.
- * جوادی، مهدی (۱۴۰۲)، «تحلیل و نقد رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور پیرامون مسئولیت فروشنده در ضمان درک»، نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۲، شماره ۳.
- * رستمی چلکاسری، عباداله و سرگزی، محمدرضا و فرهانی روحانی، نوشین (۱۳۹۳)، «ماهیت و گستره غرامت قابل مطالبه از بایع در مبیع مستحق للغير (نقد

- و بررسی رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳-۱۵/۷/۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور»، فصل‌نامه رأی: مطالعات آرای قضایی، سال سوم، شماره ۷.
- * شهبازی، محمدحسین و اکبری دهنو، میثم و حاجیان، هانی (۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱.
- * شهیدی، سپیده و ایران‌مهر، رضا (۱۳۹۱)، «پاسخ به پرسش‌های ۴۵۷ و ۴۵۸»، ماهنامه قضاوت، شماره ۷۷.
- * قانع، احمدعلی (۱۳۹۸)، «بررسی مشروعیت اجاره پول»، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۱.
- * قسمتی تبریزی، علی (۱۳۹۴)، «اصل جبران کامل زیان»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳.
- * عبدی، مونا و باقری، محمود (۱۴۰۲)، «حقوق ناشی از تأخیر در پرداخت تعهدات پولی»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۳.
- * محسنی، حسن و میرشکاری، عباس (۱۳۹۵)، «مطالبه زیان دیرکرد پرداخت دین ناشی از ضمان قهری»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۱.
- * میرشکاری، عباس (۱۳۹۲)، «تحلیل تأثیر جبران زیان بعد از وقوع آن در دیه»، فصل‌نامه علمی تخصصی دانشگاه علم و فرهنگ، سال دوم، شماره ۲.
- * میرشکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات (۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، شماره ۱۲۱.